

لیگ برتر فوتبال ایران قطور لیگ محلات شد؟

## شاهکار آنلاین

نگار رشیدی

در حالی‌که افکار عمومی و از کان فوتبال ایران در تپ‌و‌تاب جام جهانی و تقابل سرنوشت‌ساز شاگردان امیر قلعه‌نویی با بلژیک می‌سسوزند، در پشت پرده، تصمیماتی اتخاذ شده که مرزهای ساختار حقوقی فوتبال را در دنیا جابه‌جا کرده است. اعضای هیئت‌رئیسه فدراسیون فوتبال، فرستنگ‌ها دورتر از تهران، در کمپ تیم ملی در تیخوانای مکزیک و از طریق یک وینیار آنلاین، سرنوشت بیست‌وپنجمین دوره لیگ برتر را به عجیب‌ترین شکل ممکن رقم زدند؛ تصمیمی که بیشتر به یک شوخی بی‌مزه مدیریتی شبیه‌است تا تکلیفی برای خروج از بحران. داستان از جایی شروع شد که جنگ ۴۰ روزه، چرخ‌دنده‌های مسابقات باشگاهی را در هفته بیست‌وسوم قفل کرد. فوتبال ایران چهار ماه تمام در خواب زمستانی فرو رفت و گمانه‌زنی‌ها باره باره آینده لیگ به‌اوج خود رسید. سرانجام مدیران فدراسیون سده‌اترین و در عین حال مخرب‌ترین راه را انتخاب کردند؛ پاک کردن صورت‌مساله. لیگ بیست‌وپنجم رسماً نیمه‌تمام اعلام شد. اما شاهکار اصلی در جزئیات این ابداعیه نهفته‌است؛ جایی‌که استقلال صدرنشین، فرستنگ‌ها دورتر از جام قهرمانی نگه داشته شد تا به پهنانه الگوبرداری از لیگ اوکراین در زمان جنگ با روسیه، هیچ تیمی طعم قهرمانی را نچشد. جام حذفی نیز در این میان زنده به‌گور شد تا استقلال، گل‌گهر و فولاد، بزرگ‌ترین متضرران این تصمیم فاقد خلاقیت باشند.

وقتی صحبت از تقسیم سهمیه‌های آسیایی به میان می‌آید، خلاقیت مدیران فدراسیون فوتبال فوران می‌کند. آنها که پیش از این به کنفدراسیون فوتبال آسیا (AFC) تعهد داده بودند مکانیسم سهمیه‌ها بر اساس جدول است، ناگهان از یک تورنمنت سه‌جانبه رونمایی کردند؛ پرسپولیس، چادرملو و گل‌گهر باید در روزهای پنجم و نهم تیر ماه به مصاف هم بروند تا تکلیف سهمیه سوم روشن شود. اما کم‌دی‌درام ماجرا اینجااست؛ این تورنمنت بند نافش به رای‌کمیته‌استینفای‌گروه‌خوره‌است! اگر شکایت گل‌گهر از بازیکن پاراگوئه‌ای چادرملو تایید شود، تورنمنت هوامی‌شود و گل‌گهر آسیایی می‌شود!اگر تاییدنشود با لفت بخورد، بازی‌ها برگزار می‌شود. این عین فوتبال حرفه‌ای کشور را معلق در هوا نگه داشتن تا یک کمیته حقوقی در دقیقه ۹۰ تصمیم بگیرد توپ باید قطور بچرخد.



اما اوج داستان و بدعت هولناک حقوقی فدراسیون، در بخش سقوط و صعود رخ داد. مهدی تاج، که خود سال‌ها ژست مخالفت با لیگ ۱۸ تیمی را در کمربست‌انجام زیر فشار لابی‌ها کمر خم کرد و لیگ بیست‌وششم ۱۸ تیمی شد. فدراسیون برای راضی نگه داشتن همه، فرمول شکست‌ناکیز صعود ۲۰.۵ تیم از لیگ یک به لیگ برتر را اختراع کرد؛ بدین صورت که تیم سوم لیگ یک (احتلالا صنعت‌نفت، سایپا یا پارس جنوبی) باید در یک تک‌بازی پلی‌آف در شهری یل طرف، به مصاف مس رفسنجان (تیم قهرنشین لیگ فریز شده) برود. فدراسیون فوتبال در توجیه این فاجعه حقوقی، به سپر دفاعی بند فورس مازور متوسل شده‌است. داعیه‌ای که می‌گوید در شرایط جنگی، فدراسیون حق دارد حتماً به میانه مسابقات و در حالی که بازی‌ها در هفته بیست‌وسوم فریز شده‌اند، قوانین را تغییر دهد و آیین‌نامه جدید بنویسد! این تصمیم بلافاصله با انفجار خشم در رفسنجان مواجه شد. امیر فرشاد تفرکی، مدیرعامل باشگاه مس رفسنجان، در واکنش به این تصمیمات که مرزهای آماتور بودن را رد کرده، صحبت‌های گزنده و به شدت تلخی را به زبان آورد: «فکر می‌کنم دوستان خسته شده‌بودند و می‌خواستند سرگرمی داشته‌باشند! در کجای قوانین فیفا و AFC نوشته شده که می‌توان آیین‌نامه را در حین برگزاری مسابقات تدوین کرد؟! اگر صنعت‌نفت آبادان این قدر مصر است به لیگ برتر برسد، بیایند با تیم کارمندان یا پیشکسوتان مس رفسنجان بازی کنند که اتفاقاً هفته‌ای دو جلسه تمرین دارند! چهار ماه است هیچ تیمی تمرین نداشته و ۷۰ درصد بازیکنان ما قرار داشتن تمام شده و فتنه‌اند.» اظهار او تفرکی، پرده را به یک واقعیت تلخ برمی‌داند. او مستقیماً به نفوذ و پیگیری نمایندگان سیاسی شهرها اشاره می‌کند؛ موضوعی که شائبه سفارشی بودن این قانون خلق‌الساعه را به شدت تقویت می‌کند. فدراسیون در توجیهی عجیب‌تر مدعی است مس رفسنجان می‌تواند در پنجره نقل و انتقالات جدید بازیکن بخرد و در پلی‌آف شرکت کند! پیشنهادی آن قدر خنده‌دار که گویی مدیران فدراسیون متوجه تفاوت یک مسابقه فوتبال در پلی‌استینش با فوتبال حرفه‌ای و نیازمند اردو و بدنسازی نیستند.

نگاهی به آینده نشان می‌دهد این تصمیمات وصله‌پینه‌ای، به زودی گریبان فوتبال کشور را خواهد گرفت. فدراسیون در حالی قانون سهمیه بازیکنان خارجی را به‌ناگاه از «۱+ ۷» به «۱+ ۳» کاهش داده و سقف تسویه حساب‌ها را برای جلوگیری از شکایات روی ۷۵٫۵درصد افزایش کرده که قرار است از اواسط مردادماه فصلی اختاری را آغاز کند. لیگ ۱۸ تیمی با تقویمی به شدت فشرده شامل جام ملت‌های آسیا ۲۰۲۷، مقدماتی جام جهانی ۲۰۳۰، لیگ نخبگان، سطح دوم لیگ قهرمانان و جام حذفی جدید در پیش است. مدیران فدراسیون با فرار از بحران فعلی و گرفتن تصمیمات شتابان‌ده، بتم ساعتی بزرگی را برای فصل آینده کار گذاشته‌اند که انفجار آن، کل ساختار فوتبال باشگاهی را نابود خواهد کرد. در نهایت، تصمیماتی که از فرسنگ‌ها دورتر در مکزیک گرفته‌شد، چیزی جز آشفتگی، بی‌قانونی و تقلیل سطح فوتبال ایران به «مسابقات محلات» به آن معان نباورد.

صاحب‌امتیاز: موسسه اطلاع‌رسانی و خیرگزاری ایلنا
مدیرمسئول: مسعود حیدری
رئیس‌فقر شورای سردبیری
مدیر بازرگانی و روابط عمومی: مرتضی بلوکی

چاپ: کار و کارگر ۶۶۸۱۷۳۲۱۷
نشانی تحریریه: تهران، خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، نرسیده به روانپهر، پلاک ۱۳۲
تلفن تحریریه: ۰۲۱)۶۶۹۵۶۶۰۰
اینستاگرام: @tosee\_irani

این نام‌ها طبیعتاً از بازیکنان گنم‌نیزوبلندی خطرناک‌تر، ترسناک‌تر و بی‌رحم‌ترند. اگر ما در بساز کردن دروازه نیوزیلند ناکام بودیم، مقابل دیوار بلژیک چه خواهیم کرد؟ و اگر در دفاع مقابل نیوزیلند لرزان نشان دادیم، زیر آتش بار سنگین دی‌برونیه و دوستان چگون‌ه‌دوام می‌آوریم؟

**سندروم بازی‌های بزرگ؛ به‌دنیاال معجزه‌هاچو کیشن سینتی**

با تمام این تفسا‌یر ناامیدکننده، فوتبال همیشه یک روی سکه دیگر هم دارد: «امید». ما ایرانی‌ها، استاد خلق شگفتی در دل تاریکی هستیم. وقتی همه‌ما را تمام‌شده می‌دانند، ناگهان قف‌نوس‌وار از خاکستر خود برمی‌خیزیم. به جام‌ملت‌های آسیادر قطر برگردید؛ ورزشگاه‌اچو کیشن سینتی، حریف ما ژاپن بود؛ قوی‌ترین تیم جام، تیمی که همه اروپایی‌ها روی قهرمانی‌اش شرط می‌بستند و ستاره‌هایش در بهترین لیگ‌های دنیا می‌درخشیدند. پیش از آن بازی هم کسی امید به ایران نداشت، به خصوص بعد از نمایش‌های نچندان دلچسب در مراحل قبلی. اما چه اتفاقی افتاد؟ ایران یکی از حماسی‌ترین، تانکنیکی‌ترین و غیرتیرین بازی‌های تاریخ خود را به نمایش گذاشت. ما ژاپن را با تمام ستارگانش زمین‌گیر کردیم و با یک بازگشت رویایی، بیروز میدان شدیم.

آیا امروز می‌توانیم شاهد تکرار حماسه‌اچو کیشن سینتی باشیم؟ یا بازی‌های خسته می‌توانند برای ۹۰ دقیقه سن سلطه‌است. مدافعان مرکزی‌ما که فراموش‌کنند و دوباره تبدیل به همان سربازان جان‌برکفی شوند که برای یک ملت می‌جنگند؟ مشکل اینجااست که بلژیک امروز، بسیار قدرتمندتر و بی‌رحم‌تر از ژاپن آن روز است و تیم‌مانیز پیرتیر می‌رسد. اما در فوتبال، روی کاغذ هیچ تیمی از پیش بازی‌نده نیست. ایران روی کاغذ شانس بسیار کمی‌برای بردارد، اما جبر تورنمنت حکم می‌کند که ما «امید» امروز امتیاز بگیریم. هر نتیجه‌ای جز امتیاز گرفتن، یعنی پایان زودهنگام رویای جام جهانی و خداحافظی تلخ در قاره آمریکا.

**کلام آخر؛ برای پیراهن، برای مردم**
امروز وقتی سوت آغاز بازی به صدا در می‌آید، دیگر نسه رنکنینگ فیفا مهم است، نه قیمت بازیکنان بلژیک، نه سن و سال بازیکنان ایران و نه افتاداتی که در این چند روز مطرح شده‌است. امروز ۱۱ مرد با پیراهن سفید و سرخ، نماینده یک ملت بیش از ۸۵ میلیون نفری هستند که قلب‌هایشان در سینتی تپد.

آقای قلعه‌نویی، پسران تیم ملی! ما بلژیک‌ها را در هم می‌کوبد. عقلا‌یت می‌گوید پیرمردهای خسته ما توان مقابله با ماشین جنگی شیاطین سرخ را ندارند. اما فوتبال، با منطق بیگانه‌است. ما از شما معجزه نمی‌خواهیم، ما فقط از شما می‌خواهیم در زمین «تیم» باشید.

می‌خواهیم بیگنکید، تکل بزیند، بدوید و تا آخرین قطره عرق برای اعتلای این نام تلاش کنید.

امروز، روزی است که عیار واقعی این تیم مشخص می‌شود. امروز مشخص می‌شود که آیا رویای «یک هفته برتر ایران نیست. اینجا، کوچک‌ترین اشتباه تاکتیکی، بهایی به سنگینی حذف می‌م‌لت‌دارد.

امروز سخت‌ترین، پیچیده‌ترین و حیاتی‌ترین آزمون تمام‌دوران مربیگری امیر قلعه‌نویی است. او دیگر نمی‌تواند با تمام توانش، پیراهن‌های بیابورد. تاکتیک‌های سنسنتی و اتکا به ساتنر از جناحین، مقابل بلژیکی که روی هوا تسلط کامل دارد، خودکشی محض است. قلعه‌نویی باید نشان دهد که

### سخت‌ترین آزمون ژنرال؛ عبور از میدان مین

امیر قلعه‌نویی پرافتخارترین مربی تاریخ لیگ برتر ایران است. او بارها ثابت کرده که راه و رسم قهرمانی در مسابقات داخلی را می‌داند. اما ساختار لیگ

برتر ایران نیست. اینجا، کوچک‌ترین اشتباه تاکتیکی، بهایی به سنگینی حذف می‌م‌لت‌دارد. امروز سخت‌ترین، پیچیده‌ترین و حیاتی‌ترین آزمون تمام‌دوران مربیگری امیر قلعه‌نویی است. او دیگر نمی‌تواند با تمام توانش، پیراهن‌های بیابورد. تاکتیک‌های سنسنتی و اتکا به ساتنر از جناحین، مقابل بلژیکی که روی هوا تسلط کامل دارد، خودکشی محض است. قلعه‌نویی باید نشان دهد که

**بهره‌گیری از «قدرت نرم» در حوزه فناوری و دانش‌بنیان**
جام جهانی، نمایشگاه فناوری‌های نوین (از سیستم‌های مدیریت تافنوری‌های پیش‌دیجیتال) است. ایران باید از طریق حضوری‌ها و انتقال دانش و بهره‌رسانی زیرساخت‌های داخلی راه‌موار به‌عنوان «توسعه زیرساخت‌های هوشمند» در داخل کشور خواهد شد که در واقع استفاده از هزینه‌های ورودی جهانی به پیشرفت‌های ساختاری در داخل ختم می‌شود.

### پیوند میان ورزش و گردشگری

گردشگری ورزشی نباید تنها به معنای تماشاگر بودن باشد، بلکه باید به عنوان یک «صنعت خدمات‌محور» نگرینسته‌شود. ایران باید از طریق معرفی ظرفیت‌های خود در حاشیه‌اخبار ورزشی، زنجیره ارزش گردشگری (از خدمات هتل‌داری و حمل‌ونقل تا میراث فرهنگی) را فعال کند. این راهبرد، بخش خدمات اقتصاد ایران را تقویت کرده و باعث ورود ارز و ایجاد اشتغال در بخش‌های غیرنف‌تی می‌شود. ایجاد بسترهای تبلیغاتی برای معرفی ایران به عنوان یک مقصد گردشگری تاریخی-فرهنگی در حاشیه‌اخبار جام جهانی، می‌تواند یکی از راه‌های پایدار برای ورود ارز به کشور و بهبود تراز تجاری باشد.

### نتیجه‌گیری

تحلیل حاضر نشان می‌دهد که برای آمزبهر برداری از ظرفیت‌های ویدادهایی مانند جام جهانی، کشور نیازمند یک «تغییر پارادایم در نگرش سیاسی و اقتصادی» است. مابایداز «نگرش واکنشی» (Reactive) -یعنی صرفاً واکنش‌نشان دادن به اتفاقات جهان- به سمت «نگرش پیش‌دستانه و آینده‌نگر» (Proactive & Future-oriented) حرکت کنیم.

آیند‌نگری مبتنی بر توسعه، مستلزم این است که ویدادهای جهانی را نه به عنوان «اتفاقات گذرا»، بلکه به عنوان «فرصت‌های ساختاری» برای آبادانی کشور بینیم. آبادانی و توسعه، محصول مدیریت هوشمندانه فرصت‌ها در زمان بحران یا اوج توجه جهانی است. اگر بتوانیم از این بلقغم‌ها برای تقویت قدرت نرم، بازسازی برند ملی و ایجاد پیوندهای اقتصادی جدید استفاده کنیم، در واقع در حال گذار از یک اقتصاد وابسته به منابع، به سوی یک «اقتصاد مبتنی بر اعتبار، دانش و روابط استراتژیک» هستیم. در نهایت، پیروزی در میدان فوتبال شاید لحظه‌ای باشد، اما پیروزی در میدان دیپلماسی و توسعه، میراثی ماندگار برای نسل‌های آینده خواهد بود.

حساب باز کرد، اما در جام جهانی، تجربه بدون طراوت جوانی و آمادگی جسمانی، خیلی زود رنگ می‌بازد. خیلی‌ها روی این تیم پایه‌به‌سن گذاشته‌سنا حساب نمی‌کنند و حالا، با نمایش اول، آن بدبینی‌ها جای خود را به یک یقین تلخ داده‌است.

**بیدار شدن هیولا؛ شیاطین سرخ عصبانی به دنبال طعمه**

اما بپردازیم به حریف امروز؛ بلژیک. تیمی که نسل طلایی‌اش در حال پوست‌اندازی است اما همچنان ترسناک، مهلک و بی‌رحم است. بلژیک در بازی اول خود در یک دیدار گره‌خورده مقابل مصر، قهرمان آفریقا، به تساوی رضایت داده‌است. این یعنی فاجعه برای ایران! چرا؟! چون بلژیک به عنوان سید اول گروه‌وقوی‌ترین تیم جام‌روی کاغذ، حالا چاره‌ای جز پیروزی، آن هم با تفاضل گل بالا ندارد تا خیالش از بابت صعود راحت‌شود. آنها با تمام قوا و با خمشی نهفته به زمین می‌آیند تا ناکامی بازی اول را جبران کنند.

نگاهی به لیست نفرات بلژیک، لرزه بر اندام هر خط دفاعی می‌اندازد:

کروین دی‌برونیه: مهندس خط میانی، مردی که با یک پاس، دفاع‌های چندلایه را از هم می‌شکافد. بازیکنی که فضای خالی را جایی می‌بیند که بقیه فقط بن‌بست می‌بینند. هافبک‌های کند و پیر ما چگونه می‌توانند مانع بازی‌سازی این نابغه شوند؟

روملو لوتاکو: تانک بلژیکی. مهاجمی با فیزیک استثنایی که روی هوا و زمین مسلط است. مدافعان مرکزی‌ما که فراموش

مهاجمان فیزیکی همیشه دچار مشکل بوده‌اند، امروز سخت‌ترین ۹۰ دقیقه عمرشان را مقابل این غول بی‌شاخ و دم سپری خواهند کرد.

جرمی دوکو: بمب مسرعت‌او‌ینگری که وقتی استارت می‌زند، مهارش تقریباً غیرممکن است. مدافعان کناری ما که

فتی وارد می‌شود، میانگین سنی بالای تیم بود. لیسنتی که قلعه‌نویی با خود به جام جهانی برده، پر بود از نامه‌های اشناساو تکراری بازیکنان. یک کورس سرعتی و ستاره‌های بی‌چون و چرای ما بودند، اما حالا در سرانحیی دوران فوتبال خود قرار دارند.

ما را «پیر مرده‌ها» به امریکارفت‌های فوتبال مدرن امروز، فوتبال‌وندگی بی‌امان، پرس از جلو، انتقال‌های سریع (Transitions) و درگیری‌های فیزیکی سنگین در تمام طول ۹۰ دقیقه است. آیا ساق‌های خسته بازیکنان، از مرز ۳۰ و چند سالگی عبور کرده‌اند، توانایی تقابل با جوانان تازنفس و ماشین‌های دوندۀ تیم‌های اروپایی و آفریقایی را دارد؟ بازی با نیوزیلند نشان داد که تیم ما در دفاعی یابانی دچار افت شدید بدنی می‌شود. حالا فرض کنید این بدن‌های خسته باید مقابل تیمی قرار بگیرند که فوتبال را با سرعت نور بازی می‌کند.

قلعه‌نویی روی تجربه این بازیکنان



ایران به دومین بازی خود در جام جهانی رسید

# مرگ یا زندگی

که بامدادان پای گیرنده‌ها نشستند تا شاهد قدرت‌نمایی یوزها باشند. خط هافبک کند، مهاجمانی که در تله‌های دفاعی حریف گم شده بودند و تیمی که گویی هیچ پلن جایگزینی برای باز کردن گره کو بازی نداشته. حالا، آن تساوی روپاردا‌زی‌ما در قاره آمریکا باشد، خیلی زودتر از آنچه تصور می‌کردیم چهره بی‌رحم خود را به‌مانشان داده‌است. امروز، تیم ملی ایران در شرایطی به مصاف بلژیک می‌رود که نه خبری از آن اعتماد به نفس همیشه‌است و نه رمقی در ساق‌های خسته ستاره‌های با به سن گذاشته‌مان دیده می‌شود. این یک پیش‌بازی ساده نیست؛ این مرثیه‌ای است برای رویاهایی که شاید روی چمن سبز قربانی شوند، و البته کورسویی از امید برای معجزه‌ای که فوتبال همیشه در آستین خود پنهان کرده‌است.

**وعده‌های رویایی و واقعیت‌های تلخ؛ آقای قلعه‌نویی، کجاست آن یک هفته تعطیلی؟**

«در آن گروه چهار تا پننج امتیاز می‌گیریم و با صعود از گروه کاری می‌کنیم ایران یک هفته تعطیل بشه!» این جملات نه تیت‌رز زد روزنامه‌هاست و نه رویای یک هوادار احساساتی؛ این وعده شخص امیر قلعه‌نویی است پس از مشخص شدن قرعه ایران در جام جهانی.

آقای قلعه‌نویی، جناب ژنرال! همه ما می‌دانیم و قدردانیم که در شرایطی سخت، با انبوهی از مشکلات لجسنتیکی، تحریم‌ها، کمبود بازی‌های تدارکاتی در ست و حساسی و فشارهای وحشتناک روانی، تیم را به سلامت از تونل وحشت انتخابی عبور دادید و به جام جهانی بردید. بله، صعود به جام جهانی در این وضعیت، دست‌انورد کمی نیست. اما این دلیل نمی‌شود که انتظارات از تیم ملی داد، یک نمایش دور از انتظار، ناامیدکننده و به شدت نگران‌کننده بود. تیم ملی ایران براسر تیمی که انتظار می‌رفت در لاک دفاعی فرورود و تسلیم محض باشد، هیچ حرفی برای گفتن نداشت. تساوی در بازی اول، آن هم مقابل تیمی که باید زنگ تفریح مای‌بود، آب سردی بود بر پیکر تمام کسانی

## اتفاق روز

## بزرگ‌ترین تورنمنت فوتبال، فقط ورزشی نیست جام جهانی؛ فراتر از ۹۰ دقیقه

● **محمد کرمی – دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد علوم و تحقیقات**
برگزاری جام جهانی فوتبال در پهنه‌قاره آمریکای شمالی (آمریکامکزیک و کانادا)، تنها یک رویداد ورزشی نیست، بلکه یک «بستر تعظیم دیپلماسی عمومی» است که میلیارد‌ها نفر را در یک پیوند فرهنگی واجتماعی قرار می‌دهد. در نظریه روابط بین‌الملل، ورزش از منظر «قدرت نرم» (Soft Power) به عنوان ابزاری برای اعمال نفوذ بدون اجبار و ایجاد جذابیت ملی شناخته می‌شود. برای ایران، این رویداد فراتر از یک رقابت فوتبالی می‌تواند به عنوان یک «فرصت استراتژیک» برای بازسازی تصویر ملی، بازگشایی کانال‌های اقتصادی و تقویت سرمایه‌های اجتماعی در سطح جهانی نگریست. برای درک پتانسیل این رویداد عظیم و مهم، باید سه متغیر کلیدی را مورد توجه قرار داد:

**(الف) برندسازی ملی (Nation Branding):** در دنیای امروز، قدرت یک کشور تنها با پهلوگاه‌های نظامی یا اقتصادی سنجیده نمی‌شود، بلکه «ارزش ویژه برند ملی» نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. جام جهانی، ویرتینی است که در آن «تصویر ذهنی» (Mental Image) یک کشور از طریق حضور فرهنگ، هنر و حتی رفتار ورزشکارانش در ذهن مخاطب جهانی شکل می‌گیرد. ایران می‌تواند از این پتانسیل برای عبور از کلیشه‌های رسانه‌ای و ارائه تصویری متفاوت، مبتنی بر تمدن و فرهنگ استفاده کند. در نتیجه، برندسازی ملی در این‌جایزه‌ها معنای تبلیغات نیست، بلکه به معنای «مدیریت استراتژیک ادراک عمومی» در سطح جهانی است. در نظریه برندسازی، یک کشور مجموعه‌ای از «ارزش‌های ملموس» (مانند توان اقتصادی) و «ارزش‌های ناملموس» (مانند فرهنگ و اعتبار سیاسی) است. جام جهانی به عنوان یک بلقغم، امکان انتقال این ارزش‌ها را فراهم می‌کند. تا‌بالا‌اله «تصویر ذهنی چندبعدی واقع‌گرایانه» از طریق هم‌افزایی میان هنر، ورزش و دستاوردهای علمی بتوان «هویت ملی» را به عنوان یک دارایی در بازارهای جهانی قابل معامله و پذیرش کرد.

**(ب) دیپلماسی عمومی و پیوند با diaspora:** (Diaspora Diplomacy): در تحلیل روابط بین‌الملل مدرن، جوامع ایرانی‌تبار در خارج از کشور، نه تنها به عنوان مهاجر بلکه به عنوان «سفیران غیررسمی و پل‌های ارتباطی» شناخته می‌شوند. این جوامع دارای «سرمایه اجتماعی» و «نفوذ سیاسی» در کشورهای میزبان هستند. بهره‌گیری از این متغیر یعنی ایجاد یک «شبکه شنوری» که بتواند از طریق گفت‌وگوهای فرهنگی و اقتصادی، فاصله میان دولت‌ها را کاهش داده و از ظرفیت نفوذ این افراد در رسانه‌ها و سیاست‌گذاری‌های داخلی کشورهای میزبان برای بهبود تصویر ایران استفاده کند.

جام جهانی در آمریکای شمالی، با حضور بزرگ جوامع ایرانی‌تبار (Diaspora) در این منطقه، بستری نظیری برای ایجاد این «پل‌های ارتباطی» است. و در حقیقت کارآمدترین ابزار در دیپلماسی عمومی مدرن است که نباید از آن غافل شد.